



پیشوا و گنرانی و مطالعات فرہنگی

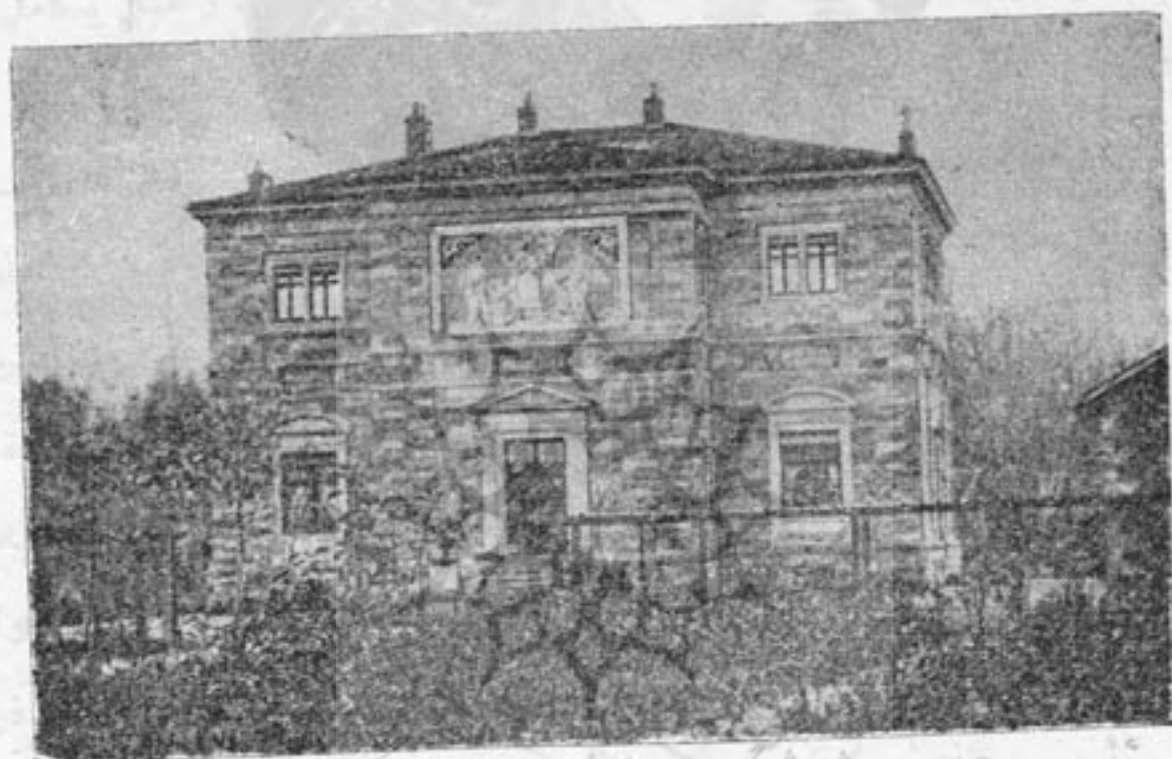
پرتال جامع علوم انسانی

بقلم و . فرانکیان

دنبالہ شماره پیش

باید گفت در این روزهای پر رنج « مینا » کمک و پرستاری او را بگردن گرفت چنانکه خود گوید: « فکر اقتصادی خویش را نشان داد » در این زمان تمام موسیقی Rienzی و باقی « اپرای هلندی پروازکننده » و Tannhäuser را ناتمام رسانید. در اینجا نام « فرانس لیست » را نباید فراموش کرد چه او بزرگترین نوازنده پیانو معاصر و اکنر بوده و مقام بزرگی داشته و درباری و اکنر راه جوانمردی پیموده و همچنین برای شهرت یافتن او رنج فراوان برده. نقادانی چند از جمله « کی دوپورتالس » Guy de Pourtalés بر آنند که اگر « لیست » برای تعمیم کارهای

واکنر همت نمیکماشت و اکنر ناشناس میماند و بمقامی که اکنون داراست نرسید
 علاوه بر این بعد ها « ایست » دختر خود را هم بعقد و اکنر در آورد ...
 شهریاریس از موسیقی دان جوان قدر دانی نمود . و اکنر ناگزیر در سال
 ۱۸۴۲ بمیهن خود برگشت . درباره بازگشت خود چنین مینویسد : « اولین بار که رود
 رن را دیدم چشمانم از اشک پر شد و با خود پیمان کردم که ازین پس میهن خود را
 سپاس گذار و در عهد خود پایدار باشم . »

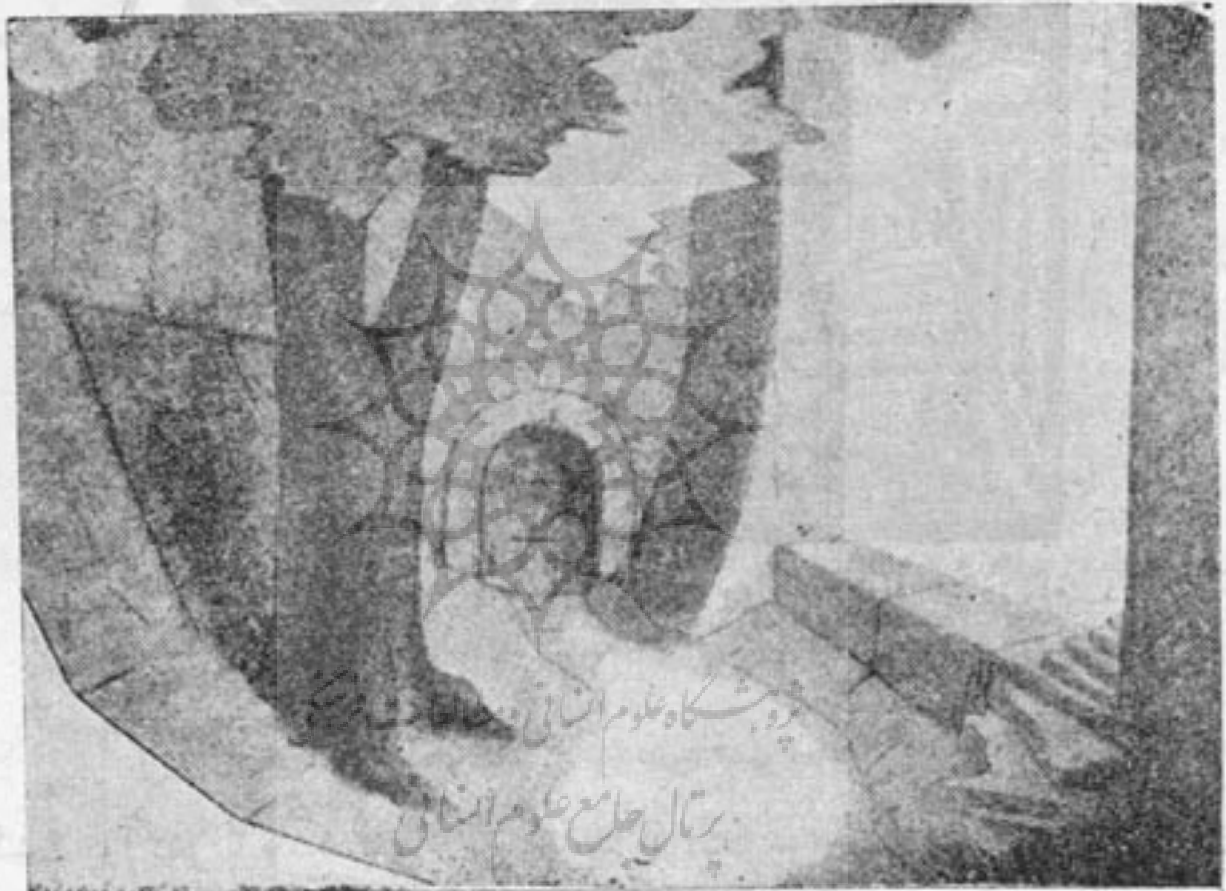


خانه واکنر در بایرمت Bayreuth

هنوز ازرنجها و سختیها که در پاریس چشیده بود رهایی نیافته با در ماندگی
 و پز مردگی به زورینخ آمد و در آنجا اقامت گزید این شهر بی سرو صدا برای واکنر
 جای آرامش بود و در آنجا کنسرتی چند داد که در برنامه آن افزون بر تصنیفات
 « بتهوون » چند تا از تصنیفات خود او گنجیده است .

در این شهر خانواده « وزندونک » از واکنر بخوبی قدر دانی کردند بویژه
 زن « وزندونک » موسوم به « ماتیلد » دلبستگی فراوان نسبت بموسیقی واکنر نشان
 داد « ماتیلد » زنی بود بسیار زیبا و نازک طبع و حساس با تحصیلات بلند و مطالعات

بسیار. این مطالب سبب گردید که اندک اندک واکنش و ماتیلد بهم نزدیک تر شوند از این گذشته «اتو» Otto شوهر «ماتیلد» نیز هزینه تمام کنسرت های واکنش را بگردن گرفت و واکنش عقاید فلسفی بدبینانه شوپنهاور (۱۸۶۰ - ۱۷۸۸) را بمطالعه در آورد و بسیار میشد که با دلدار خود «ماتیلد» در همین زمینه سخن میراند گاهی نیز از سنات های «بتهوون» برای ماتیلد مینواخت و زیبایی و شگرفی این آهنگهای دل انگیز را بوی می فهمانید.



يك سن از اپرای « ترستان و ایزولد - Tristan et Isolde » آغاز پرده سوم

در اینسال (۱۸۵۹) موسیقی دان زبردست بنوشتن شاهکار های خود یعنی «حلقه نیبلونگن» دست نهاد چه روزگارش بخوشی و آسایش میگذشت. بودن ماتیلد برای استاد مهین خوشبختی بزرگی بشمار میرفت. حیف که این زندگانی مدت بسیار ادامه نیافت زیرا سخن چینی مردم «مینا» را براو بشورانید و سبب شد که بزودی بنزد شوهرش روانه گردد. در همین زمان واکنش به قصیده «ترستان» چشم افکند و پس از مطالعه

درصد شد از آن يك درام موسیقی در آورد و دوست خود را ازین حال خبر دار ساخت .
 واگنر مینویسد «عشق را بحد کمال فهمیده ام از اینرو میتوانم بخوشبختی
 خویش امیدوار باشم و به شوق همین عشق بکار پردازم گوئی ساغر عشق را سر کشیده
 و ازباده مرگ جرعه نوش شده بود این عواطف واگنر در موسیقی دل انگیز «تریستان
 و ایزولد» منعکسند .



يك سن از اپرای « تریستان و ایزولد Tristan et Isolde » برده سوم - دگر از
 اندره بل André Boll دگر اثر فرانسوی

روزگار خوشی بژودی سپری گردید عاقبت «مینا» در جدا کردن آنان کامیاب
 گشت . واگنر با دلشکستگی راه و نیز پیش گرفت . نمیتوان گفت عشق آنان پایان آمد
 اما تغییر شکلی بخود داد که در یکی موسیقی و درد دیگری بزبان شعر آشکار گردید لاجرم
 «تریستان و ایزولد» بهترین درام عاشقانه واگنر می باشد . درباره «تریستان» واگنر
 می گوید « می خواهم زندگانی خود را وقف این موسیقی کنم و همواره با این موسیقی
 زندگانی نمایم » .

سال (۱۸۹۵) با تلخی روزگار و سرگردانی واگنر آغاز می یابد واگنر
 ناگزیر شد دو باره به پاریس برگشته و بفرمان ناپلئون سوم Tannhauser خود را به
 نمایش گذارد از آنجا بوین رفته و چندین کنسرت در شهر های آلمان و اطریش و

روسیه داد .

واگنر میل داشت که اگر آسایش خیالی بدست آورد روزگار خود را در نوشتن اپرا و موزیک بگذراند لیکن تنگدستی کربان او را رها نمیکرد و از این سبب دل افسرده و پژمرده میشد .

در این هنگام که واگنر زندگانی تلخ خود را در شهرهای اروپا میگذراند ولیعهد « باویر » موسوم به لوئی دوم بتخت شاهی بر نشست موسیقی واگنر هنگام جوانی در پادشاه اتریکو بخشیده و روان وی از همین موسیقی پرورش یافته بود همینکه بیادشاهی رسید خواست واگنر را از روی مهر بنوازد بدین قصد استاد موسیقی دان را نزد خود خوانده ندیم خویش گردانید ازین پس همه آثار واگنر یکا یک روی نمایش دیدند و « ترستان و ایزولد » نیز به نمایش درآمد هر چند (ایزولد) واقعی یعنی (ماتیلدا) زنده بود ولی هنگام نمایش فراز نیامده وظیفه « ایزولد » را هنرپیشه دیگری با زبردستی بسیار بازی کرد .

اپرای « ترستان و ایزولد » یک تراژدی عاشقانه است که آهنگهای آن با استادی کامل ساخته شده است این آهنگها بسیار دلکش و درباریند شنونده از شنیدنشان متأثر شده و در خود هیجان دیگری احساس میکند .

از نظر ساختمان فنی موسیقی آهنگی نکاتی در آنها موجود است که تا آنروز

کسی پی نبرده بود این اپرا تقسیمهایی دارد در خور تجزیه و موشکافی .

تازه واگنر نفس آرامی کشیده بود که حسودان بمقام وی رشک برده و از هیچ دسیسه و نیرنگ برای پست کردن واگنر کوتاهی نوزیدند عاقبت او را مجبور ساختند که برای مدت معینی از دوست جوان خویش جدا گردد (۱۸۶۵) در طول ایام فراق اپرای « سرایندگان استاد » را بانجام آورده و آخرین بخش شاهکار « حلقه نیبلونگن » را نیز با تمام رسانید اپرای سرایندگان استاد با کارهای دیگر واگنر تفاوت زیاد دارد این اپرا خنده دار است لکن در بعضی موارد بتغزل هم میرسد .

اپرای « سرایندگان استاد » قبول همگانی یافته از این رو مردم به اپرا های



برونهیلد و وتان - Brunehild et wotan از ایرای والکیری
وتان بدون اینکه به عجز و لابه و خواهش دختر سرکش خود والکیری برونهیلد گوش دهد، نوک
نیزه خود را بر زمین میزند و آتش سحرانگیزی که خواب دختر را از میان میبرد از آنجا پاره می‌کشد

دیگر واکنر نیز دل بستگی بهم رسانیدند. این دو زن، پیش از آنکه با هم دوست شوند، در سال (۱۸۶۶) «مینا» زن واکنر بدروود زندگانی گفت و واکنر با دختر موسیقی دان نامور «لیست» زن «هانس بولوو» پیوند دوستی بست «هانس بولوو» از شاگردان واکنر و «رئیس ارکستر» برجسته بشمار میرفت ولی در اخلاق خود بسیار زودرنج و همچنین رنجور بود بیچاره (کزیمما) ناچار جوانی خود را با شوهرش «هانس بولوو» بسختی میگذرانید «کزیمما» واکنر را در نوشتن راهنمایی کرد و او را با یک زن خردمند و زیرک یافت.

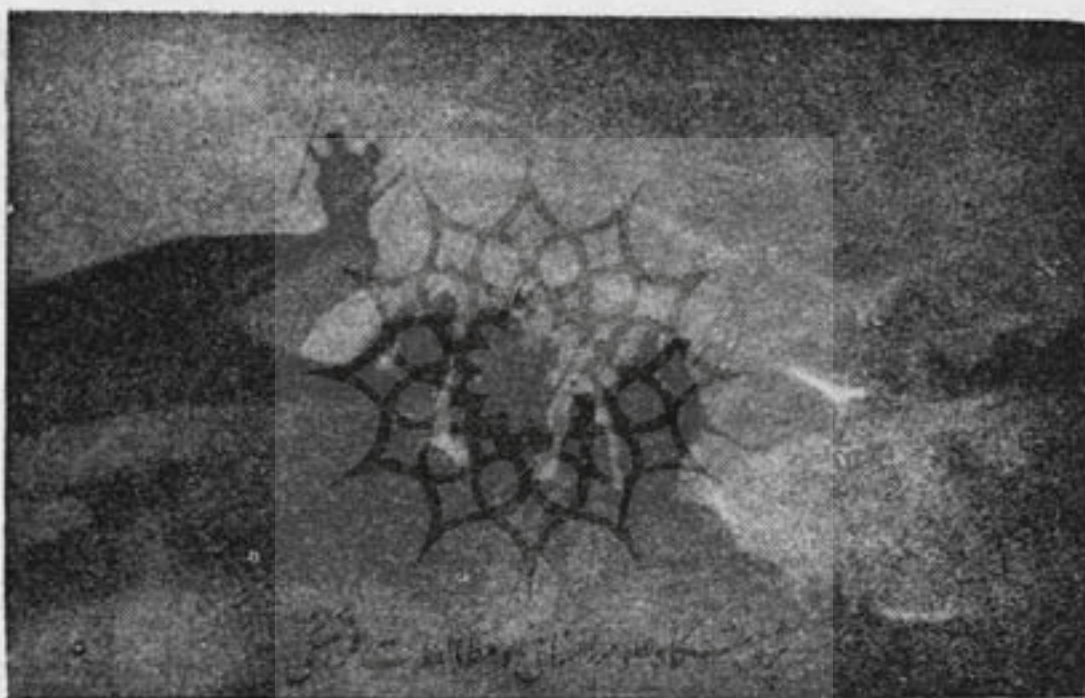


کزیمما واکنر - Cosima Wagner

«کزیمما» خود را از زندگانی نا دلپسند رهائی داده بنزد واکنر شتافت

خود میگوید «از نزد پیغمبر بنزد خدا رهسپار گردید» در ۲۸ اوت (۱۸۷۹) با هم
 زناشوئی کردند. ازین ازدواج پسری زاده شد که واگنر او را بنام پهلوان ایرای
 خویش «زیگفرید» موسوم گردانید آهنگی بعنوان (غزل زیگفرید) Siegfried idyll
 بزین خود بخشید.

واگنر بادستیاری لوئی دوم در «بایرت» تماشاخانه برای ایرای خود ساخت
 و اولین بار در آنجا شاهکار خود «حلقه نیبلونگن» را بنمایش گذاشت این تماشاخانه
 را بزرگترین کرامت هنرهای زیبای آلمان مینامیدند.



زغال جامع علوم انسانی

یک سن از ایرای «والکیری - Walkyrie» پرده سوم

نمایش مزبور در سال (۱۸۷۶) داده شد تا آن زمان در تاریخ موسیقی چنین
 اتفاقی نیفتاده بود که چند نفر از سران کشور های مختلف چون امپراطور آلمان با
 دختر خود و لوئی دوم امپراطور روسیه و عمویش و شاهزادگان و بزرگان ممالک دیگر
 با موسیقی دانهای نامور و ویژه دوست گرامیش حضور داشتند «نیچه» فیلسوف و حکیم
 آلمانی در آن روز تاریخی بتماشا آمده بود. لاجرم واگنر بمنتهی آرزوی خود رسید
 حلقه نیبلونگن از یک تراژدی ایرای چهارگانه تشکیل یافته که عبارتند از :

۱- رابن (چهار تابلو)

۲- والکیری

۳- زیگفرد

۴- غروب خدایان.

بیکمان « حلقه نیبلونگن » را می توان بزرگترین و باشکوه ترین شاهکار

موسیقی و دراماتیک دانست .



یک سن از اپرای « سرایندگان استاد - Maitres chanteurs » تابلو دوم از پرده سوم
دگر از اندره بل André Boll دگر اثر فرانسوی

موضوع این اپرا از افسانه های « ادا » Edda است آنها را میتوان بکتاب
شاهنامه فردوسی یا بد و شاهکار « هومر » ایلیاد و اودیسه شبیه کرد از سال (۱۸۴۹)
واگنر بخیال نوشتن چنین تصنیف افتاده بود. فکر اصلی و فلسفی « حلقه نیبلونگن »
را ممکن است با کلمه چند بیان کرد .

آدمی که بی زر یافتن می پوید همواره بد بخت است و رهائی خود را باید
در عاشقی بجوید ، پهلوانان این درام ارباب انواع ژرمن و اسکاندینا هستند .
واگنر برخلاف استادان موسیقی دیگر برای هر چیز یک آهنگ مخصوص

داشت که آنرا « آهنگ راهنما Leit - motif » می‌نامید . مثلاً همهٔ پهلوانان آهنگهای راهنمای معینی دارند که باشکال مختلف و ارکستر بندی گوناگون بمعرض نمایش گذارده میشود . شنونده چون این آهنگها را بشنود درمییابد که موضوعی از زر ، آتش ، خوشبختی و جز آن خواهد آمد کسانیکه با موسیقی اندک آشنائی دارند میتوانند با شنیدن « آهنگ راهنما » بزودی معنای آهنگ را دریابند .

« پارسیفال Parsifal » آخرین اپرای واگنر میباشد که در آن عقاید مذهبی را که در اپرای تانهوزر آورده بود بطرز دلربائی در سال (۱۸۸۲) در « بایرت » بنمایش گذارد .



يك سن از اپرای « پارسیفال - Parsifal »

واگنر تکنیک موسیقی را بر پایهٔ بلند نهاد است که پیش از او نهاده بودند و نه پس از او خواهند نهاد این مرد بزرگ یکسال دیگر یعنی در ۱۳ فوریه ۱۸۸۳ در پایان هفتادمین سال عمر پر درد و رنج در « ونیز » زندگانی را بدرود گفت . . . پس از مرگ واگنر زن بیوه اش « کزیمما » بانتشار آثار وی همت گماشت و چهل سال پی در پی سوگواری گرفت .

دوستان هنرهای زیبا و استادان موسیقی هم از این فقدان هنری اندوهناک

پایان

و دردمند گشتند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

LA FLUTE



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

LAPLUTE